

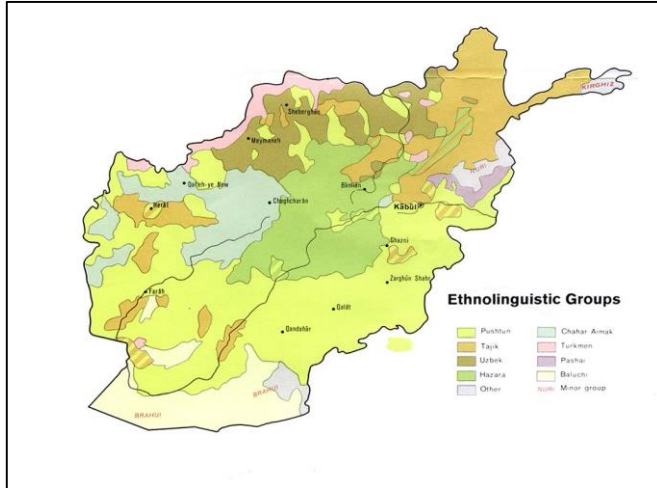


۲۰۱۷/۰۷/۲۱



مصطفی «عمرزی»

احصائیه ی نفوس سیاسی؟!



تنوع چرنديات دشمنان ما، محدود به تحريف تاريخ، ترويج فرهنگ ابتذال و يا هتاكي نيست. در كاسه ي اين شورباي بدطعم، چيزي هاي ديگري نيز خورده مي شود كه گاه در اندازه ي مواد به كار رفته در اين تغذي، ارقام و اعدادي نيز به ظهور مي رسند.

از امر الله صالح آورده اند كه گويا در جايي گفته است «پشتون ها، اقليت اند!» اين رسم الخط كج، ادبيات نوي نيست كه اين شخص- اگر گفته باشد- به ظهور مي رسد. تاريخچه ي كراهت ستمي، اشباع برداشت هايي ست كه چند عقده مند در خلوت هاي روستايي افغانستان به هم بافته بودند تا در آزادي هايي خوش دوران سلطنت، به كار ادعای كذابي شان آيد. پس از هفت ثور، هشت

ثور و بالاخره هرج و مرجي كه بيشتر شبیه جمعه بازار شده است، ادبيات موهن در جو سياست زده گي هاي بازاری، به انواعي مي رسد كه اگر چنين بماند، تا سال هاي ديگر كساني در رسانه ها ظاهر خواهند شد كه در ادامه ي آن چه از صالح آورده اند، باعث مي شوند جامعه ي اهل سواد، همچنان در منجلابي بماند كه عرصه ي سياسي افغانستان مي نامند.

اين كه طرز تلقی ما با چرنديات آورده شده از قسم ادبيات صالح، چه گونه باشد، به اين اهم توجه مي دهيم كه اگر خود را مي شناسيم، نيازي نيست در پرتو بقايای تنظيمي، سايه وار بمانيم. من گفته ام و بسياري مي دانند كه در قضاوت بر زمينه هاي تاريخي، اجتماعي، سياسي، ادبي، فرهنگي و ظرفيت هاي بشري خویش، نياز به قرطاسيه اي نداريم كه در كشوري متأثر از نقش پُر رنگ تباري ما، چهل سال پس از مصيبت هفت ثور، هرچه مي كشند، اما اين كشور در مسيري مي رود كه قوم بزرگ و تاريخ ساز افغانستان (پشتون ها) در محور آن مي آيند. اين حقيقت، در حالي كه دربرگيري بشري را در تمام ولايات افغانستان نشان مي دهد، زير نام واقعيتهای جهانی (افغان و افغانستان) بيانگر اين حقيقت نيز است كه ريشه هاي اين جغرافياي سياسي، تا زماني كه مبدعان آن با حساسيت بالاي درك مسايل كشوري تلاش مي كنند، ناممكن است در حد معاني اي نزول كنند كه پيروان منحرف تنظيمي و دل باخته گان چهل سقاوي، بخواهند مردم ما را در حد خودشان، اقليت كنند.

در واقع فرهنگ سازي از قسم اين ادبيات (منسوب به صالح) عجز ديگري ست كه دشمنان ما پس از كهولت يك نسل سنيزه گر براي فرزندان ناخلف خویش باقي گذاشته اند تا با عدم بصيرت بر پيرامون خویش، در شرايطي كه فشار هاي بيروني درگير كننده اند، آلوده گي هاي فكري در التهاب اجتماعي، كساني را كمك كند تا در سايه ي فشار مضاعف آن، مسوولاني را مرعوب كنند كه در دسته ي تحصيل کرده گان، به خصوص در تجربه ي حكومت كرزي، در حلقه ي مولفان غير قومي، تصور کرده بودند اجتماع اين سپاهي لشكر، مجموعه اي از اقليت هايي ست كه براي ما نيز سجل مي كنند.

ميز گردی از محمد امين فرهنگ، نظري پرياني و ... را به ياد دارم كه فرزند تاريخ نويس دور افتاده از حقيقت (صديق فرهنگ) زور مي زد چون اجازه ي احصائيه ندادند، بنا بر اين همه اقليت اند. پاسخ به اين حماقت در سخافت همان ادعا نهفته است. اگر نقش احصائيه تا اين حد در تايد موضع آنان مهم است، حقيقت اين كه بدون اين احصائيه نيز هيچ مجوزي براي كمی و زيادی درست نخواهد بود، ما را با مردمی مواجه مي سازد كه به اصطلاح متوجه نيستند چه مي گویند.

چنان چه آوردم، چهل سال پس از مصايب هفت ثور، تمام كوشش ها براي تغيير طبيعت افغانستان، به بُن بستى رسیده اند كه «پشتون ها» مي شناسيم. رفقای پرچمي- ستمی خیلی زود در شهادت المناك محمد داوود، رفقای

د پانو شميره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼونه: دليكني د ليكنيزي بني پاڼوالي د ليكوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكي په خير و لولي

پشتون را ستودند، اما آرمان آن‌ها تا زمان تجاوز شوروی (نیروی خارجی) برای انحصار قدرت به جایی نرسید. حضور نحس شوروی، هرچند سیطره‌ی دشمنان ما را تا نود درصد در نظام تسجیل می‌کند، اما گسترده‌گی جبهات خونین، تسلیم ناپذیر و مدام در حال تنازع پشتون‌ها، بزرگ‌ترین محرومیت سیاسی اتحاد شوروی را در پی می‌آورد. صحنه‌سازی و اجرای نمایش در دور کردن عوامل مهم قدرت که با هویت تباری پشتون می‌توانستند جلو فاجعه‌ی حاکمیت ربانی را بگیرند، با آغاز به اصطلاح کودتای شهناز تنی، منجر به اولین تصفیه‌هایی شد تا با نمایش دروغین نافرمانی جنرال مومن بغلانی، دومین کوشش بزرگ برای تغییر طبیعت افغانستان به ثمر نشیند.

سرخورده‌گی‌ها، زبونیت و بی‌چاره‌گی‌های حکومت مسعود-ربانی، نه فقط تداوم نمایش سیاه سقاوی در افغانستان بود، بل این حاکمیت که تنها در سهم جمعیت-شورای نظار، بیش از 50 درصد تجهیزات نظامی افغانستان را به دست آورده بود، به دایره‌ی خبیثه‌ای مبدل می‌شود که با 5 درصد حاکمیت در افغانستان، حالا وقتی به غرب کابل می‌روم، خنده‌ام می‌گیرد که ربانی در زمان ریاست در ارگ، حتی قادر نبود با قهرمان به اصطلاح چند مرتبه‌بی ضد شوروی، چند بلست (وجب) به مناطق حزب وحدت، پیشروی کند.

حکومت آشفته در ملوک الطوائفی تنظیمی، با حقیقت دیگری به زودی افغانستان را در مساله‌ی اقلیت و اکثریت به طبیعت اش بُرد که اگر در امواج ایدئولوژی و اسلام سیاسی و افراطیت مذهبی افراط نمی‌شد (طالبان)، نیازی نبود در ریا و دروغ‌های مدنی کنونی، به چند تن وقیح و اهل ناحق، فرصت دهیم ادبیات انتقاد بسازند.

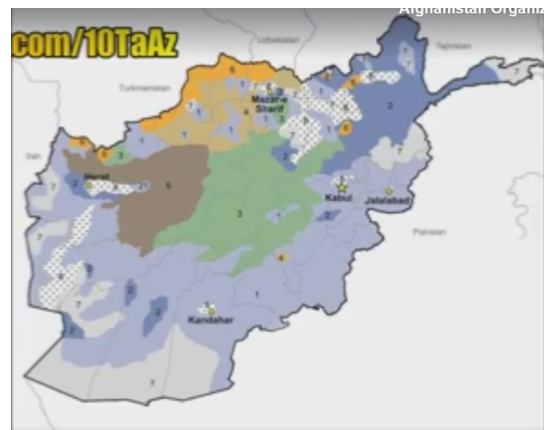
حکومت افغانستان در جغرافیایی که بسته به ترحم دوستان بین‌المللی، گاه کمتر از 50 درصد حاکمیت است، در حالی که زیر شدت فشار تبار بزرگ این کشور، فشرده می‌شود تا در برابر حقوق او پاسخ دهد، تسلط

مخالفان مسلح این تبار، دربرگیرنده‌ی واقعیت‌های «اکثریتی» دیگری ست که نشان می‌دهد پناه سرایی و ادبیات چرند، به بیماری کسانی منجر می‌شوند که در احاطه‌ی هزاران تن سمنت، از ترس حقایق دو سوی این کشور (داخل و خارج ارگ) بقایای ناخلف می‌فرستند تا ندانم کاری‌ها و گاف‌هایی که از اثر تقصیر تکنوکراتان، به تریبون‌های زشت پخش انتقاد سخیف و گنده‌دهنی می‌مانند، کسانی را خرسند کنند که اگر ما را در سطح خودشان «اقلیت» ساختند، واقعیتی رنگ می‌گیرد که چهل سال پس از فشار بیرونی، هر بار اما با فشار بیشتر برمی‌گردد و نام اش «پشتون» است.

قضاوت ما در زمینه‌ی اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی، نه فقط به گذشته‌ای استوار است که بیشتر از هر کسی از مزایا و شرف آن می‌دانیم، بل با حضور گسترده در همه‌جای این جغرافیه، احصائیه‌ی سیاسی آن همیشه به واقعیت‌های «بزرگ» می‌رسد. امیدوارم روز‌های دیر نیابند که مهتران سیاسی ما، اگر از شان توفیق الهی بهره‌یافتند، با اعاده‌ی حقوق بر حق قومی، وحدتی را نیرو بخشند که اگر بار دیگر به کلیت‌های قبل از هفت ثور رسید (اتحاد چپ و راست)، از این یک دسته‌گی، مشت محکم ما برای مبارزه و مواجهه، بیشتر از همه افغانستان و افغانان را حفظ خواهند کرد. به امید آن مستقبل، امین!

یادآوری:

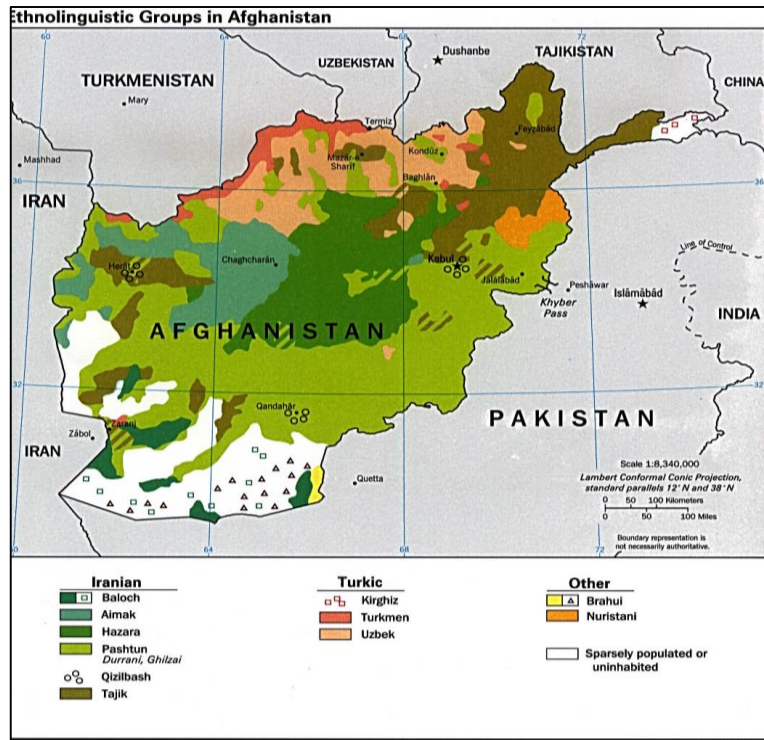
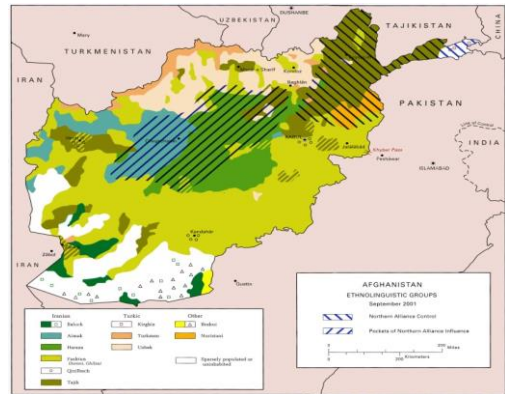
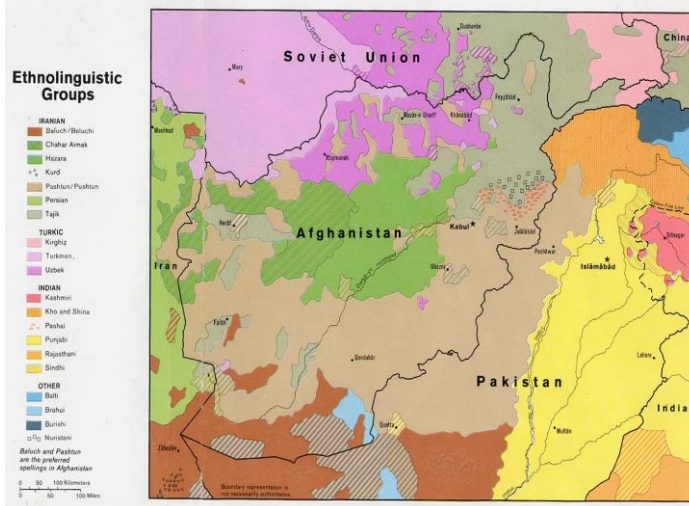
منابع مختلف بین‌المللی وجود دارند که تنها در نت با درج جمله‌ی «نقشه‌های جغرافیای قومی افغانستان»، می‌توان به ده‌ها منبع معتبر در تبیین واقعیت‌های قومی افغانستان، دست یافت.



د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ



د پانجو شميره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
پادونه: دلپکنی د لیکنيزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ